مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

بشیر مؤمن ۲۰۲۱/۰۳/۲۰

جامعه شناسی تبعیض نژادی

« ما در جهانی ناعادلانه زندگی میکنیم و مجبور به مبارزه‌ایم! » مارلی دیاس، دختر سیاه پست۱۵ساله امریکایی

پرابلم نبعیض نژادی یکی از مسایل عمده مورد مطالعه علم جامعه شناسی است ؛ که دانشمندان این عرصه از آن تعاریف گوناگون دارند . بر اساس فرهنگ های زبان تبعیض عبارت است از رفتار نادرست مردم و گروپ ها در برابر غیر شان است . سازمان ملل متحد روز 21 مارچ را «روز جهانی رفع تبعیض نژادی» نامگذاری نموده اند ، بخاطریکه 21 مارچ 1960؛ 49 نفر از مردم آفریقای جنوبی که برای اعتراض مسالمت‌آمیز به قانون نژادپرستانه‌ی در شهر «شارپ‌ویل» افریقای جنوبی گرد هم آمده بودند، با شلیک گلوله‌های پلیسِ کُشته شدند. این راهم باید گفت که نژاد پرستی ویژگی کشور خاصی نیست در واقع یک معضل جهانی است منتها با ابعاد و درجات و فرم های گوناگون که در کشورهای مختلف نمودش را می بینیم. اگر چه امکان دارد که تبعیض در جهت مثبت نسبت به یك گروه خاص باشد، ولی معمولاً نشان دهنده ی اعمال منفی است. تبعیض مثبت:
(positive discrimination) به معنی در پیش‌گرفتن سیاست و روشی برای اصلاح رفتارهای تبعیض‌آمیز در برابر اقلیت‌های نژادی، زنان، از معلولین ومعیوبین و سایر گروه‌هایی است که در طول تاریخ، از برخی یا بسیاری مزیت‌های اجتماعی بی‌بهره مانده‌اند. تبعیض مثبت به مجموعه امتیازات اجتماعی اقلیت‌ها و رنگین پوستان در ایالات متحده آمریکا اشاره دارد که با برخورداری از این امتیازات اقلیت‌ها به برابری با سفید پوستان دست پیدا نمایند. از لحاظ تاریخی یونانیان باستان، هندیان و چینی‌ها علی‌رغم خدمات زیادی که به بشریت کرده‌اند، در پست شمردن نژادهای دیگر، سابقهٔ زیادی دارند. ولی نژادپرستی نقش عمده‌یی در تاریخ معاصر امریکا بازی کرده است. مردم سفیدپوست امریکا، نژادپرستی را به مثابه توجیهی برای برده‌داری و یا تحقیر سیاه‌پوستان به کار می‌برند. اغلب در جامعه‌یی که نژادپرستی در آن رایج است، گروه مسلط، نژادپرستی را چنین توجیه می‌کند که اعضای گروه دیگر از لحاظ هوش پست‌ترند. گرب، ادوارد ج، جامعه شناس امریکایی معتقد است که « نژادپرستی باوری است که بر حسب آن یک گروه نژادی، خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند و یکی از قدرتمندترین و مخرب‌ترین اشکال تبعیض است.»1
به طور دقیق ، تبعیض دربرگیرنده ی ندادن فرصت ها وامکانات به یك گروه است که به اعضای مشابه گروه دیگر با شرایط یکسان، داده می شود؛ تبعیض از جمله مفاهیم است که در بخش های مختلف جامعه شناسی کاربرد فراوانی دارد به خصوص در جوامع دارای تنوع دینی، نژادی، جنسی و قومی، تبعیض و تعصب در شرایط خصومت و نابرابری بین این گروه‌ها یافت می‌شود؛ و مقصد از نژاد چگونگی طبقه بندی افراد را با رنگ پوست و برخی از ویژگی های جسمی فیزیکی که به طور خاص توسط یک گروه معین صورت میگیرد است. جالب است درین اواخر تحقیقی در آمریکا نشان داده که تبعیض ظاهری معضلی فراگیرتر از تبعیض نژادی است.حتی برای این پدیده اصطلاحی به

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نام «ظاهر پرستی» (Lookism) وجود دارد، به این معنی که کسانی که از زیبایی ظاهری کمتری برخوردارند، چانس کمتری برای یافتن کسب و کار و در مجموع دستیابی به موفقیت دارند.

انسان به جهت پاره‌ای وابستگی‌ها؛ از قبیل سرزمین، خون، نژاد و مانند آن، خود را از دیگران جدا می‌شمرد و به قومی خاص، احساس وابستگی می‌کند و توجه خود را به تأمین منافع ملّی، حتی اگر مستلزم زیان دیگران هم باشد، معطوف می‌گرداند. بعیض نژادی درجات مختلف ؛ علاقه‌مندی به سرزمین و ملیّت و قوم و تبعیض گرایی افراطی چند مرتبه آن است. نظام‌هایی چون نازیسم در آلمان، فاشیسم در ایتالیا و صهیونیسم در فلسطین اشتغالی و... که بر اساس اعتقاد به برتری نژادی و حق سیادت بر دیگران تشکیل می‌شوند، از پدیده‌های شوم تبعیض نژاد هستند. ساده‌ترین مثال برای نژادپرستی، برتر دانستن انسان‌های سفیدپوست بر رنگین پوستان است با این استدلال که چون سفید بودن نشانهٔ برتری است و من سفیدم و تو سفید نیستی، پس من از تو برترم که در زبان دری به این مبحث نژادستیزی یا نژادگرایی نیز گفته می‌شود. نژادگرایی نظریه‌ای است که میان نژاد (انسان) و پدیده‌های مانند دین، آداب، زبان و... رابطه ایجاد کرده برخی نژادها را برتر از دیگر نژادهای بشری می‌شمارد. در این نظریه برتری نژادی مستقل از شرایط محیطی و اجتماعی رشد افراد عمل کرده و دست تقدیر برخی نژادهای بشر را برتر و برخی دیگر را پست‌تر گردانیده‌است.

جامعه شناسان، مورخان و انسان شناسان معتقدند وقتی دو گروه با رنگ پوست و ظاهر فیزیکی متفاوت با هم در تماس قرار می‌گیرند و بر سر یک موضوع رقابت می‌کنند تبعیض نژادی با شدت و خشونت بیشتری بروز می‌دهد اما جوامعی که عاری از هر گونه درگیری نژادی هستند از پتانسیل همهٔ شهروندان خود بهره برده و به سوی حذف این تعصبات گام می‌بردارند.بقول جورج ادوارد گرب (Gerg edward Garb) جامعه شناس امریکایی « تبعیض نژادی Racial discrimination)، می تواند شکل اقدامات اجتماعی ، رفتار ها یا باورها، و یا سیستم های سیاسی را به خود بگیرد که نژادهای مختلف را به عنوان نژاد های ذاتا برتر یا پست تر نسبت به یکدیگر درجه بندی کند، بر اساس صفات و یا مشخصات پیش فرض مشترک میان گروهی ارثی یک نژاد مانند توانایی ها، یا ارزش های دیگر. همچنین ممکن است شکلی را بخود بگیرد که ایجاب کند که با اعضای مختلف نژادهای مختلف باید برخورد متفاوت صورت گیرد » 2. در جامعه شناسی و روانشناسی، برخی از تعریف ها تنها اشکال آگاهانه پیش رونده تبعیض را شامل نژاد پرستی دانسته اند. برخی از تعاریف نژادپرستی نیز شامل رفتارها و اعتقادات تبعیض آمیز بر اساس کلیشه های فرهنگی، ملی، قومی، طبقه ای، و همچنان دینی و مذهبی است. مدنظر باید داشت که بدون حمایت قدرت سیاسی یا اقتصادی، تعصب قادر نخواهد بود به عنوان یک پدیده فرهنگی، نهادی و اجتماعی فراگیر ظاهر شده و خودش را نشان دهد. در حالی که "نژاد" و "قومیت" دو پدیده جداگانه در علوم اجتماعی معاصر در نظر گرفته شده است، این دو اصطلاح دارای سابقه طولانی مترادف بودن در استفاده را در علوم اجتماعی و ادبیات کهن دارند. تحقیقات علمی سالهای اخیر به خصوص دو سه دهه اخیر نشان می‌دهد که اکثر دانشمندان بر سر حداقل دو واقعیت علمی به توافق رسیده اند: اول اینکه انسان ها از لحاظ ساختار ژنتیکی بسیار به هم نزدیک و مشابه هم هستند به رغم تفاوت های ظاهری و رنگ پوست و غیره. به استثنای دوگانگی ها ، متباقی انسان ها ژن هایی دارند با تفاوت‌های بسیار اندک و اشتراکات زیاد. در واقع می‌شود گفت که جوامع انسانی را می‌توان در یک شجره خانوادگی جا داد و همگی ازیک شجره یا یک خانواده هستند.مساله دوم این است که انسانهای امروز به‌رغم تکثر و تفاوت های مختلف در واقع همه منشاء آفریقایی داریم ونسب همه ما افریقایی هست. کوتاه اینکه از ۹۹۶ هزار سال تا ۲۹ هزار سال گذشته این موتاسیون های رنگ پوست و تفاوت هایی که ما اسم شان را تفاوت نژادی می گذاریم صورت گرفته است و شاید مثلا حدود ۶۰ هزار سال پیش وقتی انسان هموساپین (Homo sapiens) «انسان خردمند» یک پستاندار از نوع دوپا و از خانوادهٔ انسان آفریقا را ترک کرد و به جاهای دیگر سفر و مهاجرت کرد با انسان نوع نئاندرتال (*Homo neanderthalensiS*) گونه‌ای از جنس (*GenuS*)انسان بود که در اروپا و بخش‌هایی از باختر آسیا، آسیای مرکزی و شمال چین (آلتای)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

زندگی می‌کرد. برخی ژن‌ها میان انسان نئاندرتال و انسان خردمند مشترک هستند.) در خاورمیانه آمیزش داشته و آنچه که ما انسان امروزی می نامیم در واقع حاصل این آمیزش ها بوده است.
باورداشتن به برتری یک نژاد بر نژاد دیگر را می توان اصلی ترین مشخصه تبعیض گرایی دانست. شکل واضح آن را هم می توان جریان آپارتاید در آفریقای جنوبی(قبل از پیروزی مانديلا) یا نحوه برخورد با اقوم در نقاط دیگر جهان در هند که آنها را نجس می دانند، دید.امریکایی های آفریقایی تبار بیش از یک قرن است که با فراهم شدن هر فرصت سیاسی در امریکا، به اعتراض دست زده و در تلاش برای دست یابی به حقوق برابر با سفیدپوستان برآمده اند. این مبارزات به ویژه از دهه 1960 فراز و نشیب زیادی را در روابط جامعه سیاه پوستان با حاکمیت این کشور در پی داشته است. نمونه اخیر آن مرگ مایکل براون سیاه پوست 18 ساله در شهر فرگوسن امریکا بدست پولیس است که خشم مردم را بر انگیخت . امروزجنبش سیاهان در نتیجه همنوایی اهداف فردی و اهداف جنبش، وجود نارضایتی هایی چون نژادپرستی و تبعیض نهادمند، جایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف و نابرابر سیاهان در جامعه امریکا و همچنین فرصت های سیاسی چون قانون حقوق مدنی، قانون حق رأی، انتخابات و افزایش تعداد مقامات سیاه پوست فعال و بدین ترتیب زمینه برای کنش جمعی سیاهان فراهم شده است.
در حالیکه علم دهه هاست ثابت کرده است که هیچ معیار با اهمیتی وجود ندارد که بتوان بر طبق آن انسان ها را به «نژادهای» متفاوتی تقسیم و دسته بندی نمود. با وصف ان مفکوره نژادگرایانه در زمان های اخیر به طور شدید در تلاش هستند ، تفاوت های فرهنگی را به عنوان تمایزات بیولوژیك معرفی و مورد تأکید قرار دهند. در کل می توان گفت که این تفاوت ها به عنوان دلیلی برای به اصطلاح ضرورت ایجاد مرزهای غیرقابل عبور بین گروه های انسانی و «نیاز طبیعی» آن ها برای جدایی مطرح و برجسته می گردند. پیش زمینه ایدئیالوژی «تبعیض نژاد» می باشد و مقصود از آن روندی است که در طی آن خود انسان ها شروع خواهند کرد، خود را اعضای «نژادهای» متفاوتی بدانند. مترداف به این مفهوم دیگر بنام اپارتاید است ؛ یعنی جدایی! چانکه معلوم است اعِمال سیاست های تبعیض نژادی از دوره آغاز استعمار و به بخصوص از قرن هفدهم شکل گرفته و نقاط گسترده ای را شامل می گردید، اما به صورت مشخص، این کلمه از سال 1948 م توسط دفتر مرکزی حزب ناسیونالیست کشور آفریقای جنوبی به کار گرفته شد. هدف از اعلام و اعمال این سیاست، جداسازی سفیدپوستان از غیر سفیدپوستان و به ویژه سیاهان بود. با این که بیش از 80% جمعیت آفریقای جنوبی را غیر سفیدپوستان تشکیل دادند، اما اقلیت سفیدپوست با اجرای سیاست های غیرانسانی، جامع های طبقاتی به وجود آورد. آن ها رسماً اعلام کردند که سیاست آپارتاید همه گروه های نژادی را فروتر از سفیدپوستان می داند و علی رغم اعتراضات افکار عمومی و سازمان ها ی بین المللی، به رفتار خود ادامه دادند. آپارتاید، تبعیض، تحقیر و توهین به نژادهای اقلیت در قرن بیستم و بیست و یکم میلادی ادامه داشته و به خشونت و قتل توسط گروه‌های نژادپرست و نظام‌های حامی نژادپرستی تبدیل شده‌است. مصداق بارز آن، رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی بود که قهرمان مبارزه با نژادپرستی، نلسون ماندلا به مبارزه با آن برخاست و با قیام مردمی در هفدهم ژون 1991به پیروزی رسید. . راسیسم یا نژاد پرستی از کلمه «راسم به معنای نژاد مشتق است. راسیسم یک «تئوری» ضد علمی و ارتجاعی است که میان نژادهای مختلف از لحاظ استعداد و قدرت فکری عدم تساوی قائل است و گویا طبیعت از آغاز نژادها را متفاوت، یکی را عالی و دیگری را پست، خلق کرده است. راسیسم یک مفهوم ثابت و فراتاریخی نیست، بلکه در شرایط و دوران گوناگون، اشکال متفاوتی می‌یابد. جوهر آن اما ایجاد دواگانگی «ما» و «آنها» و برتر خواندن یکی بر دیگری بر پایه تفاوت‌سازی‌های نژادی، قومی و فرهنگی است. در آمریکا با توجه به سابقه برده‌داری، از دیرباز سیاه‌پوستان، در اروپا یهودیان، و امروز بیشتر مهاجران و به ویژه مسلمانان آماج حملات نژادپرستی هستند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تجربه نازیسم در اروپا، مشروعیت نژادپرستی کلاسیک را که بر تفاوت و برتری بیولوژیک «نژادی» استوار بود از بین برده‌است. نژادپرستی نوین اما بیشتر بر «تفاوت فرهنگی»، برتری فرهنگی و «بیگانه‌ستیزی» استوار است که برخی آن را «راسیسم فرهنگی» می‌خوانند.
آنتونی گیدنز جامعه شناس انگلیسی قوم گرایی را در دو بخش تعصب و تبعیض طبقه بندی می کند . «در بخش تعصب ممکن است افرادی در ذهن خود خودشان را برتر از اعضای یک گروه یا نژاد دیگر بدانند اما در تبعیض ،این ایده به صورت رفتار موجب عقب نگه داشته شدن یک نژاد و گرفتن فرصت ترقی و یا حتی حیات از آنان می شود.گیدنز یکی از ریشه های اصلی قوم مداری را در انگیزشی به نام بلاگردانی می داند به این مفهوم که مثلا آلمانی ها در بعد از جنگ جهانی دوم ریشه بیکاری و وضعیت بد اقتصادی خود را در هجوم کارگران ترک به بازار کار آلمان می دانستند و بسیاری از این کارگران توسط نئو نازی ها در دهه هشتاد میلادی اذیت و آزار شدند.قوم مداری به نوبه خود موجب ایجاد یکی از بزرگترین آفات بشری یعنی نسل کشی (جنوساید) می شود . که در طول تاریخ نمونه های بسیاری از آن حتی در اروپای قرن بیستم وجود داشته است».
در مورد کشورمان افغانستان گفته می توانم که ، جغرافیای سیاسی افغانستان به گونه ای بوده که از نژادهای مختلف در گوشه و کنار این سرزمین در کنار هم زندگی کرده اند از نژاد ها و قومیت های مختلف، این قوم ها و نژاد ها هم قرن های متمادی بدون درگیری و اختلاف خاصی در کنار هم زندگی کردند. در تاریخ کمتر موردی هست که گزارش از اذیت و آزار یک قوم و نژاد خاص در افغانستان توسط قوم و نژادی دیگر روایت شده باشد . در مقایسه با کشورمان درین همسایگی ما تبعیض علیه سنی ها در ایران بیداد می کند سنی ها در قانون اساسی ایران نمی توانند رئیس جمهور شوند سنی ستیزی در ایران ابعاد خطرناک تری از تبض قومی دارد به طوری که از سال 2011 تاکنون ایران بیش از 400 نفر از اهل سنت را اعدام کرده است.با وجود نزدیک به 22 میلیون جمعیت اهل سنت در ایران، اما سنی ها هنوز جایی در نهادهای حکومتی ایران یا پارلمان ندارند. سنی ها حتی در تهران مسجد هم ندارند و هنوز فروختن کتاب‌های سنی در ایران یک جرم تلقی می شود. کارکران شیعه های افغان بطور خاص هزاره ها که رول زیاد در اقتصاد ایران دارند ؛ در ایران بنام افغان کثیف وپدر سوخته خطاب میشوند وباز بخاطر جنگ در سوریه وعراق ویا وقتی بحث بحث منافع منطقه‌یی ایران پیش می‌آید، بحث شیعه و ارزش‌های فرهنگ شیعی را برجسته می‌کنند.
در حالیکه ما در افغانستان همین تبعیضات جندان احساس نمی کنیم ؛ به این معنا نیست که ما در افغانستان بطور قطع گرایش‌های نژادپرستانه نداریم یا اصلاً ارزش ها و فرهنگ ها و اصول مبتنی بر تعصبات نژادی نداریم اگر داریم محسوس نیست؛ این عوامل باید شناسایی شود ومورد کنج کاو جامعه شناسانه قرار گیرد . یک چیز را باید در نظر داشت ببینید در همه جوامع بحث سلسله مراتب هست وکشور ماهم ازین مثتثنا نبوده ؛ این نوع برخورد در همه جا هم رایج است و از نگاه جامعه شناسان هم برای جوامع امر لازمی است؛ این واقعیت اجتماعی را نباید نادیده گرفت. همین حالا در پیشرفته ترین جوامع هم گروه هایی هستند که در سلسله مراتب اجتماعی در رده های بالای اجتماعی قرار می گیرند و گروهی در دسته های پایین. برخی شرایط نامناسبی دارند و حتی محتاج نان شب وروز خود هستند . امروز اگر به نادار بنگرید ممکن است افرادی را ببینید که پیش از این جزو طبقه با لا بوده اند اما حالاشان و جایگاه اجتماعی خود را به دلایلی از دست داده اند و نوع رفتاری که با آنها می شود با توجه به موقعیت جدیدشان است. این دیگر نژادپرستی نیست؛این را باید بی عدالتی اجتماعی دانست. در افغانستان افرادی هم هستند که از یک پایگاه اجتماعی پایین آمده و رشد کرده باشند ولی حالا کسی از آنها نمی پرسد که اهل چه طایفه و قومی هستند. از نظر دکتر الطائی جامعه شناس،"قوم (ethnic group)، يك گروه انسانی –نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه ای در چارچوب يك شاخه بزرگ نژادی برخوردار است، به قسمی که حتی از دیگر گروه های نژاد خود قابل تشخیص وتفکیك می گردد.به همین دلیل گاهی همین گروه قومی به معنی گروه ملی یا معادل آن می آید" رجوع شود (بحران هویت قومی در ایرا ن). یکی از

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پرابلم های دیگر که درین روزها سر زبانهاست ؛ گویا ثبت قوم های کوچک در شناسنامه الکترونیکی تبعیض ونفاق است !! در حالیکه داشتن هویت یک موهبت الهی و حق شهروندی همه احاد ملت است که هیچ کسی حق سلب یا بخشش آن را ندارد.و در قانون اساسی کشور در ماده جهارم وفقره دوهم ذکر شده است که ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد؛«سایر اقوام» به معنی از بیست قوم دیگر، غیر از چهارده قوم ذکر شده در قانون اساسی است. که تعداد درین مورد موافق وتعداد دیگرمخالف هستند . تا دیروز همین مدعیان مخالف درج کلمه افغان بهویت ملی بودند در حالیکه اصطلاح افغان در اساس ربط به پشتون ندارد ؛به قول پژوهشگرمسایل علوم اجتماعی محمد روف مهدی « واژه افغان دست کم سه مرحله جدی را پشت سر گذاشته است : افغان به عنوان یک رستی سواره نظامی آریاییها ؛ افغان به معنای سوارکاران دلاور و جنگجوی آریایی؛ سپس در مر حله ی دوم اطلاق آن به قوم پشتون توسط دری زبانان در دوره ی اسلامی؛وسوم هویت ملی در قرن بیستم است» . (رجوع شود به دانشنامه آریانا). وفتیکه شما هویت ملی را نمی پذیرید وبه قومیت پافشاری مینماید ؛ این دیگر تبعیض مطلق است که سایر اقوام را از داشتن هویت محروم سازید .شناختن قوم های کوچک عدالت است ومخالفت با آن منافقت است این تنها به ضرر تیکه دارن قومی و معامله‌گران سیاسی‌یی خواهد بود که حق همه را تحت تام یک قوم میخورند ؛ ترس اینها فقط در کم شدن امتیازات شان است . در مفهوم کلان تبعیض گرایی به این معناست که چون شما متعلق به فلان نژاد خاص هستید باز هم آن نگاه پست به شما وجود داشته باشد.این تجارب شهرهای کلان ومدرن هست، اما در بافت های سنتی که در کشور ما کم هم نیست آن اقوام خاصی هم هستند ولو اینکه به لحاظ اجتماعی پایگاه شان رشد کند هنوز هم به دلیل اینکه از آن قوم و نژاد هستند در جامعه به مشکل پذیزفته میشوند و با آنها رابطه خویشاوندی برقرار چندان نمی شود و... چنانکه معلوم است در گذشته ها حاکمیت دولت ورعیت و قومی و قبیله ای بود. در آن ساختار هم هر قوم و قبیله ای به لحاظ زندگی ، فرهنگی، حتی نوع پوشش و لهجه و... بسیاری از مسایل عرصه خاصی برای خود داشتند. آن مردم هم در درون طایفه خود تعریف می شدند، از طرفی برای اینکه انسجام قوم و طایفه برقرار بماند و متلاشی نشود، خویشاوندی و ارتباط و نوع اقتصاد و موارد دیگر را در درون طایفه انجام می دادند. اما در چند دهه پسین حالت قومی در حال از بین رفتن و زندگی مدرن در اکثر مناطق کشور در حال رایج شدن است. اما اگر این طوایف در عرصه هایی هنوز مقداری از ضرورت ها را برای بقای خود به این شکل عملی می کنند یک امر کاملن طبیعی است. در صورتیکه همان طوایف در درون شهرها زندگی کنند و زندگی مدرن داشته باشند ولی همچنان به شکل سابق زیست کنند آنگاه بحث تبعیض مطرح می شود. یعنی رفتار تبعیض گرایانه رفتاری است که حتی اگر ضرورت های محیطی خود را از دست بدهد باز هم به همان شکل بروز پیدا و فاصله اجتماعی را حفظ کند. خوشبختانه به صورت مشخص درشهر کابل نژادها، قوم ها، طوایف و ملت های مختلف در کنار هم در حال زندگی کردن هستند بدون آنکه مساله و بحث خاصی از این لحاظ مطرح باشد.به فهم جامعه شناسان معاصر یکی از مهم ترین راه های از بین بردن تعصب ها و هراس از دیگری متفاوت، آمیزش، همکاری و آشنا شدن با گروه‌های مختلف است. یعنی هرچه جامعه تکثرگراتر، و فرصت آمیزش و آشنایی و معاشرت با گروه های مختلف جنسی، قومی، نژادی، مذهبی بیشتر باشد ابعاد مشترک انسانی همدیگر را بیشتر تشخیص می‌دهند، در نتیجه کلیشه‌ها کمتر شکل می گیرد ولذا تعصبها به تدریج کمتر و کمتر میشود تعصبات و دیگر ستیزی، دیگرسازی، خارجی ستیزی در مقابل و برعکس آن یعنی تحمل، رواداری، پذیرش، تکثر، کثرتگرایی ،همکاری، همبستگی، پلورالیسم و چند گونگی که لازمه دموکراسی هست؛ اینها در بخصوص جوامع مدرن با هم در کشمکش هستند و ما تقریبا در همه جوامع هردو سر این گرایش ها را میبینیم یعنی از یک سو تعصب و دیگر ستیزی را در اشکال مختلف می بینیم و از سوی دیگر تلاش خیلی از انسان ها و شهروندان و مصلحین اجتماعی برای همبستگی اجتماعی، برای تکثر و پلورالیسم و چندگانگی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

است.نژاد پرستی و تبعیض قومی اغلب مورد استفاده برای توصیف تبعیض بر اساس قومیت و فرهنگ بوده است، مستقل از اینکه این تفاوت ها به عنوان نژادی توصیف شده باشد. با توجه به کنوانسیون سازمان ملل متحد، تمایز و تفاوتی بین اصطلاحات تبعیض نژادی و تبعیض قومی وجود ندارد ، برتری بر اساس تمایز نژادی از نظر علمی اشتباه است، از نظر اخلاقی محکوم است، از نظر اجتماعی ناعادلانه و خطرناک است، و هیچ توجیهی برای تبعیض نژادی وجود ندارد، چه از لحاظ تئوری و یا چه از لحاظ عملی در هیچ جایی دنیا پذیرفتنی وقابل تحمل نیست. یک وقت قهرمان بوکس جهان محمد علی کلی طی یک مصاحبه گفته بود "چشمم را باز کردم دیدم هر چیز بدی را سیاه می نامند، یعنی همه چیزهای بد سیاه است. چرا این طور است؟ چرا رنگ سیاه را بد می‌دانیم؟" به همین خاطردانشمندان دست به یکعتداد ازمایشات عصبی زدند دیده اند که وقتی فردسفید پوست یک سیاه پوست را می بینند یک بحش مغز آن بنام آمیگدال فعال میشود و حالت دفاعی میگیرد. آمیگدال یا بادامه یک قسمتی از دستگاه کناره‌ای در مغز است. هسته قاعده‌ای-جانبی بادامه (آمیگدال) نقش مهمی در یادگیری و حافظه ایفا می‌کند. بادامه علاوه بر نقش اصلی در درک احساسات و ایجاد پاسخ به آنها، در تعدیل درد نیز دخالت دارد. هستهٔ مرکزی بادامه به عنوان بادامه کنترل درد، معرفی شده‌است. آمیگدال همچنین مسئول تظاهرات هیجانی چهره مانند خوشحالی و ترس است و نقش مهمی در اکتساب یادگیری‌های هیجانی دارد. جالب این است که آزمایش‌های بعدی نشان داد که این موضع گرفتن و یکدفعه فعال شدن آمیگدال این حالت با درجات مختلف در انسان های سفید پوست مختلف است، دوم اغلبا بعد از سن 14 سالگی دیده میشود که پیش این چیزی دیده نمیشود. لذا میشود که چنین نتیجه گرفت که این ترس یک پروسه کسبی است یعنی ترس از سیاه نه واکنش بلکه حاصل یک فرایند تعلیمی است. چنانکه دیده اند که افراد سفیدی که دوستان متعدد از رنگ‌ها و نژادهای مختلف داشته‌اند خیلی بی تفاوت از این عکسها می گذرند و امیگدال آنها تحریک نمیشود ولی کسانی که هیچ نوع آشنایی با نژادهای دیگر نداشته اند دچار هراس می شوند. در کشور ما هم خوب بخاطرم است که بدخشانی ها با پکتیاوالان هیچ ارتباط نداشتند واز آنها هراس داشتند ولی امروز از برکت هیروییین وداش های خشت با هم دوست وآشنا هستند چون مراودت میان شان صورت میگرد و مبینند که نی ولا اینها هم مانند ما هستند ؛دارا وندار وظالم ومظلم دارند ! لذا هر قدر فاصله دور باشد اطلاعات هم ازدست دوم وسوم ودقیق نمی باشد ! به هر صورت دنیا عوض شده امروز در یونیورستیها به خصوص و کمپنی‌ها، ادارات و همه‌جا در آمریکا درنتیجه این بیداری وجدانی وسیع تری که به وجود آمده یک نوع بازبینی و یک نوع انتقاد از خود سراسری می‌کنند .البته این حقوق شهروندی و پلورالیسم روبه بهبود آمریکا نتیجه بیش از 200 سال مبارزات و مباحثات و نقد های دائمی از سیستم و تلاش های اصلاحی مداوم توسط سازمانها مدنی، اتحادیه های کارگری، مبارزات حزبی و جنبش های اعتراضی و مدنی، به خصوص جنبش حق خواهی زنان وجنبش ضد نژادپرستی و حق خواهی سیاه پوستان به علاوه نزدیک به پنج سال جنگ داخلی خونین برای برانداختن برده داری بوده است. بطور مثال آبراهم لینکن مبارزات شدید بر علیه برده داری وبرده فروشی نمود وموفق گردید. مارتین لوتر کینگ برای حقوق مدنی سیاهپو ستان مبارزه نمود وموفقیت هایی حاصل شد لکن باز در اذهان و فرهنگ عده ای نژاد پرستی از بین نرفته و گه گاه حوادثناگواری روی می دهد . و نمونه آن کشته شدن جورج فلوید توسط پلیس است که بر خلاف قانون صورت گرفته و دنیا را بر علیه نژادپرستی به آشوب کشانده و تظاهرت بزرگیصورت گرفته است .در کل آتش قوم گرایی و تبعیض نژادی، فقط با اجرای افکار دانش مندان، صدور اطلاعیه های جهانی حقوق بشر و قطعنامه های بین المللی خاموش نمی شود، بلکه بر اصول واقعیت ها والگو های تاریخی، راه نجات بشر از آسیب های نژادپرستی، زنده ساختن مفاهیم اخلاقی،ارزشی و انسانی است و راه مبارزه با تبعیض، احیای هویت اصیل انسانی و فطری، درقالب فرهنگ و ارزش های اخلاقی است.با استناد تمام این نوشته‌هاو مدارك موجود در این رابطه می‌توان گفت که اعمال تبعیض و تعصب يك امر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر نیست بلکه يك امری اجتماعی و تحت تأثیر ساختار اجتماعی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد که با اتخاذ پالیسی اصولی و بنیادی وفاصله گرفتن از تصورات قالبی و کلیشه‌ای و پرهیز از شنیده‌ها و تأکید بر مدارك و شواهد مستقیم تا حدود زیادی می‌توان آن را کم و یا این که به طور کلی آن را از بین برد که در غیر این صورت وجود چنین افکار و رفتار به صورت بالقوه می‌تواند زمینه‌ساز تضاد و نابرابری اجتماعی باشد که به تبع آن می‌تواند منازعات داخلی و خارجی و همچنین هزینه‌های سیاسی، انسانی و مالی جبران‌ناپذیری به همراه داشته‌باشد.

منابع:

1.. گرب، ادوارد ج، Gerg edward Garb (1373)، نابرابری اجتماعی ت: محمد سیاهپوش و... تهران، چاپخانه میعاد.

2. گولدوکولب، Goldo klolb، (1376)، فرهنگ علوم اجتماعی، ت جواد زاهدی مازندرانی، ، انتشارات مازیار

3. گیدنز، آنتونی، (Anthony Giddens)(1378)، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی

4. رابرتسون، یان، Robertson yan (1374)، درآمدی بر جامعه، ترجمه‌ی: حسین بهروان، تهرا

-5دانشنامه آریانا

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ